



ISSN: 1999-5601 (Print) 2663-5836 (online)

Lark Journal

Available online at: <https://lark.uowasit.edu.iq>



*Corresponding author:

**Dr. Mohammed Essa
Kadhim**

University: Wasit University

College: College Of Arts

Email: messa@uowasit.edu.iq

Keywords:

Unity of Existence, Islamic
Sufism, Persian Sufi poetry

ARTICLE INFO

Article history:

Received 9 May 2024

Accepted 7 Jun 2024

Available online 1 Jul 2024



The Influence of the Concept of the Unity of Existence on Sufi Poetry

A B S T R A C T

There is no doubt that the essence of Islamic thought is the principle of monotheism and the belief in the phrase "There is no god but Allah." But what is the true meaning of this fundamental Islamic tenet? Individuals and groups have each interpreted "monotheism" based on their level of understanding and knowledge of God, and their capabilities. The common interpretation of monotheism is the denial of any partner to the divine essence. However, according to some Sufis, monotheism has a particularly intriguing concept; for them, monotheism is not merely the denial of a partner to the divine essence or any equality to His attributes or assistance in existential acts. Instead, the foundation of monotheism, in their view, is the denial of any existence other than God's, which they have termed the concept of (Unity of Existence).

This concept of the Unity of Existence entered Persian Sufi poetry through many Sufi poets who were influenced by it and began to explore and promote it in their poems. In this research, the researcher seeks to answer the following questions: What is the concept of the Unity of Existence? Who is the founder of the concept of the Unity of Existence? What is the stance of religious scholars and Sufi masters on the concept of the Unity of Existence? Has Persian Sufi poetry in Iran been influenced by the concept of the Unity of Existence? What are the main ideas and beliefs resulting from the concept of the Unity of Existence?

© 2024 LARK, College of Art, Wasit University

DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.Vol3.Iss16.3641>

تأثير فكرة وحدة الوجود على شعر الصوفية

ا.م.د. محمد عيسى كاظم / جامعة واسط – كلية الآداب

الخلاصة:

لا شك ان جوهر الفكر الاسلامي هو مبدأ التوحيد والايمان بكلمة (لاله الا الله) ولكن ماهي حقيقة هذا الركن الاساسي الاسلامي.

قدم كل شخص او مجموعة تفسيراً (للتوحيد) بحسب مستوى ادراكهم ومعرفتهم لله تعالى وبالاعتماد على قدراتهم.

ان التفسير السائد لمعنى كلمة التوحيد هو نفي كل شريك للذات الإلهية ولكن وبحسب راي بعض الصوفية فان التوحيد عندهم له مفهوم خاص مثير للاهتمام؛ ان التوحيد بنظر هؤلاء ليس فقط نفي الشريك من الذات الالهيه او نفي اي مساوات لصفاته او نفي معونته في الافعال الوجودية لا بل اساس التوحيد لديهم هو نفي اي وجود غير وجود الله تعالى وقد سموا هذه الفكرة بفكرة وحدة الوجود.

دخلت فكرة وحدة الوجود هذه الى الشعر الصوفي الايراني عن طريق العديد من شعراء التصوف الذين تأثروا بهذه الفكرة وراحوا يتناولوها ويروجون لها في اشعارهم.

يسعى الباحث في بحثه هذا للاجابة على الاسئلة التالية: ماهي فكرة وحدة الوجود؟ من هو مؤسس فكرة وحدة الوجود؟ ماهو الفرق بين وحدة الوجود و الحلول والاتحاد؟ ماهو موقف علماء الدين و مشايخ الصوفية من فكرة وحدة الوجود؟ هل تأثر الشعر الصوفى فى ايران بفكرة وحدة الوجود؟ ماهي اهم الافكار و المعتقدات الناتجة عن فكرة وحدة الوجود.

محلة لارك للفلسفة واللسانيات والعلوم الاجتماعية
الكلمات المفتاحية: وحدة الوجود، التصوف الاسلامي، الشعر الصوفي الفارسي.

چكیده

ترديدى نيست كه اسلام خاتم اديان آسمانى و ضامن رسيدن به درجات عالى كمال بشر در تمام زمينه هاى علمى و عملى است و محور انديشه اسلامى اصل توحيد و ايمان به كلمه (لا اله الا الله) مى باشد. ولى حقيقت اين ركن ضرورى و اساسى چيست؟.

هر فرد و گروهى با توجه به سطح و درك و شناخت خود از خداوند متعال و با توجه به توانايى هاى خود تفسيرى ارائه کرده اند.

تعبير رايج در مفهوم توحيد به معنا؛ نفي هر شريك از ذات الهى مى باشد. اما از نظر برخى از صوفيه (توحيد) داراى مفهوم و ويژگى خاص و جالبى است، زيرا از نظر آنان توحيد تنها نفي شريك در ذات الهى نيست يا نفي هرگونه معادل در صفات اوست يا نفي هر ياورى در

افعال وجودی است، بلکه اساساً توحید را نفی هر وجودی غیر از وجود خداوند متعال می دانند. این اندیشه به نام وحدت وجود است .

اندیشه وحدت وجود از راه شاعران تصوف ایرانی که تحت تأثیر این فکر بودند وارد شعر عرفانی شد و به ترویج آن اندیشه یا ایده های ناشی از آن در شعر خودشان پرداختند.

نویسنده در این مقاله سعی کرد تا پاسخ به این سؤالات جواب می دهد . اندیشه وحدت وجود چیست؟ بنیانگذار این اندیشه کیست؟ چه تفاوت بین وحدت وجود و حلول و اتحاد؟ نظر علمای دین و مشایخ صوفیه از اندیشه وحدت وجود چیست؟ آیا اندیشه وحدت وجود بر شعر صوفیان ایرانی تأثیر داشت؟ مهمترین عقاید و باورهای حاصل از اندیشه وحدت وجود چیست؟.

کلید واژه ها: وحدت وجود، تصوف اسلامی، شعر عرفانی فارسی.

مقدمه:

تأثیر تصوف در شعر فارسی در حدود قرن پنجم هجری ظاهر شد، آن تأثیر در شعر برخی از شاعران رباعی از اواسط آن قرن آغاز کرد و می توان گفت؛ ورود تصوف و اندیشه های آن به شعر فارسی در قرن ششم هجری به دست سنایی غزنوی (526 یا 535 ق - 1131، 1140 م) آشکارتر شد. در آن قرن نیز عده ای از صوفیان مانند ابن عربی و غیره ظهور کردند؛ که تصوف را با فلسفه آمیختند و بسیار از نظریات فلسفی در تصوف ظاهر شد. که مهمترین آنها نظریه وحدت وجود است.

در حقیقت ممکن است صوفی در لحظات خاصی حس خود را از دست بدهد و او احساس می کند که جهان خارج در مقایسه با خدا حقیقت ندارد. در نتیجه، اندیشه های صوفی به عنوان وحدت وجود ظهور کرد. اما آنها فراتر از سلیقه های خاص نیستند.

از قرن ششم هجری و قرون پس از آن، شاعران فارسی زبان تحت تأثیر تصوف بوده اند. آنها سعی می کردند از روش های صوفیانه استفاده کنند حتی اگر صوفی نباشند زیرا آنها روش های صوفیانه ابراز عواطف و احساسات را شاهدهی بر نبوغ و تبحر در هنر می دانستند.

برخی از شاعران تصوف فارسی به اندیشه وحدت وجود اعتقاد داشتند لذا این اندیشه یا ایده های ناشی از آن را در اشعار و نوشته های خود به صورت فلسفی بیان کنند. یا به آن را اشاره می کردند. مانند؛ فریدالدین عطار، سعدی شیرازی، جامی، صائب تبریزی و دیگرانند و به علت این تاثیر بسیاری از ایده ها و اعتقادات که ناشی از ایمان به اندیشه ای وحدت وجود در شعر صوفیان فارسی منتشر است. مانند: انکار دوگانگی وجود، اعتقاد به عدم وجود موجودات و مخلوقات و ایمان به این که همه چیز خداست و غیره.

1- وحدت وجود چیست؟

حضرت رسول اکرم از نخست ندا در داد: " قولوا لا اله الا الله تفلحوا ". تمام تعالیم قرآن بر اساس یکتاپرستی و نفی هر گونه شرک است. مسلمین بر این متفق بوده و توحید را اساس ایمان و بنیان اسلام شناخته اند. برخی از صوفیان این جمله را زیر ذره بین تحقیق فلسفی گذاشته و آنقدر آن را زیر و بالا کردند و در یکتاشناسی و یکتاپرستی چنان پیش رفتند تا بجائی رسیدند که معتقد شدند " جز ذات خداوند در جهان هستی موجودی نیست ". در حقیقت بجای "لا اله الا الله" معتقد شدند که " لا موجود الا الله " بنا براین فرض، عالم خارج و جهان هستی جز سایه و شبحی از ذات واجب الوجود نیست (دشتی، 1362، ص 30) یعنی: این هستی در مرتبه ای به صورت خالق و در مرتبه ای بصورت مخلوق است. بنابراین خالق و مخلوق در هستی مشترک و هر دو از یک سنخ اند؛ با این تفاوت که اصل و منبع هستی در ذاتی است که خالق نامیده می شود، و مخلوقات هر یک به قدر ولیاقت و استعداد خود از آن بهره ای دارند (صدرزاده، 1390، ص 17).

2- بنیانگذار وحدت وجود کیست.

اندیشه وحدت وجود بسیار قدیمی است، تا حدی در یونانیان باستان و هندوئیسم هندی نیز وجود دارد. اما در فکر اسلامی این اندیشه از حدود قرن دوم هجری در فکر برخی از صوفیان بزرگ بوده است ولی نه بشکل یک اصل فلسفی، بلکه از راه مبالغه در توحید و اینکه ذات خداوند مصدر هستی است. جنید بغدادی⁽¹⁾ که مورد احترام و قبول تمام صوفیانست می گفت: " در جهان هستی جز خدای کسی نیست " (دشتی، 1362: 35-36).

قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) نقطه عطفی در تاریخ تصوف اسلامی بود. این امر در نتیجه قبول طرح نظریه ای وحدت وجود که محی الدین ابن عربی به شکل یک فکر فلسفی آن را مطرح کرد. این اندیشه به صورت و شکل کامل، مشروح و منظم قبل از محی الدین ابن عربی در فرهنگ و عالم اسلامی نبوده است، وی اول دانشمند و عارف در جهان اسلامی که با ایمان و عقیده ثابت این اندیشه را استوار ساخته، لذا او بنیانگذار این اندیشه در عالم تصوف اسلامی بلا منازع به شمار می آید.

نام وی؛ ابو بکر محمد بن علی طائی، اندلسی است، نسب او به حاتم الطائی ختم می شود. از مشاهیر صوفیه و به نام ابن عربی و الشیخ الاکبر و ابن افلاطون معروف بوده است. در ماه رمضان سال 560 هجری قمری در شهر مورسیه به دنیا آمد (بلائیوس، 1965، 5).

وحدت وجود که ابن عربی مطرح کرد در انکار عالم ظاهر خلاصه می شود و وجود حقیقی را جز خداوند نمی شناسد. وی معتقد است که وجودی جز خدا نیست، زیرا او وجود حقیقی و وجود مطلق است و وجود او ازلی است، بلکه او کل هستی و غیر او وجودی نیست. به معنا دیگر؛ حقیقت وجودی یکی است، بدون کثرت و کثرتی که حواس بر آن گواه می دهد، صرفاً تصاویر و میدان هایی است که صفات الهی در آنها تجلی می یابد یا توهمات توسط ذهن ابداع شده است و هیچ فرقی بین حق و خلق نیست مگر با ملاحظه و جهت، لذا خدا حق در ذات خود و بر حسب صفاتش آفریده شده است و خود این صفات عین ذات است و بنابراین یگانه و کثیر، کهن و جدید، پنهان و ظاهر، با هم می آیند (طویل، 1969: 179).

ابن عربی عقیده خود را به صورت نمادین در کتابها، نامه ها و اشعار خود بیان می کرد و به تفسیر خاصی از آیات قرآن و احادیث نبوی تکیه کرد، وی دانشمند، متفکر و فیلسوف بزرگی بود و با ادیان و اندیشه های فلسفی اطلاعاتی گسترده داشت. لذا عقیده خود از تأثیر؛ ادیان دیگر، فلسفه نوافلاطونی و منابع دیگر خالی نبود. وی در شعر خود را رنگ از فلسفه به تصوف بخشید و با اشاره به وحدت وجود و اینکه خداوند همه مخلوقات را در خود داشت؛ می فرماید:

یا خالق الأشياء في نفسه أنت لما تخلق جامع

تخلق ما لا ينتهي كونه فيك فأنت الضيق الواسع. (ابن عربی، 1987: 88).

(ای خالق اشياء در خود است تو همان چیزهای که خلق می کنی)

تو چیزی را می آفرینی که پایان ندارد ؛ زیرا ان خلق را در توست و تو باریکی گسترده هستی).

و همچنین می گوید: "سبحان من أظهر الأشياء وهو عينها". (منزه است که اشیاء را ظاهر می کند و او عین ذات آنهاست).

ابن عربی پس از سفر به کشورهای مختلف است در شهر دمشق اقامت گزید و پس از آنکه فقیهان تیرهای انتقاد و حتی کفر و بدعت به او را زده بودند ، به خاندان ابن زکی و اعضای خاندان حاکم ایوبی پناه برد. در آن زمان کتاب فصوص الحکم را نوشت و کتاب عظیم خود الفتوحات المکیه را تکمیل کرد.

وی در شبی جمعه روز 28 از ماه ربیع الآخر سال 638 هجری قمری در خانه قاضی ابن الزکی درگذشت و در قبرستان خانوادگی (ابن الزکی) بیرون شهر دمشق در دامنه کوه قاسیون به خاک سپرده شد(بلائیوس , 1965 :93-94).

3- تفاوت بین وحدت وجود و حلول و اتحاد است.

وحدت وجود از نظر صوفیان حلول یا اتحاد نیست زیرا که حلول یعنی ؛ یک چیز در چیز دیگر حل شود. در اصطلاح به معنا؛ نزول خداوند متعال در مخلوقاتش، یا برخی از مخلوقات اوست. (حلول خدا یا سکونت خالق در مخلوقات مانند سکونت روح در بدن است - یعنی؛ با مخلوق که در آن ساکن است متحد نیست بلکه همه جا با آن است. جدایی . یعنی یک بدن ظرف دیگری است.) پس این دلیل بر دو وجود است.

اتحاد به معنا ؛ دو چیز یکی بودن. به معنای ؛ اختلاط دو چیز و اختلاط آنها تا یک چیز شود. در اصطلاح به معنا، اتحاد خداوند متعال با مخلوقاتش، یا با برخی از مخلوقاتش است. (مانند اتحاد جسم با بدن). یعنی: اعتقاد به اینکه وجود موجودات یا برخی از آنها عین وجود خداوند متعال است

وحدت وجود یعنی ؛ نه خالق و مخلوقی هستند، زیرا همه چیز یکی است و تمایز خالق و مخلوق برای آنها صرفاً بیان یک چیز است. (یعنی ؛ جز ذات خداوند در جهان هستی موجودی نیست) (الحمد، 2006 :42)

بین حلول و اتحاد بعضی از تفاوتها دارد، اما بین وحدت وجود و حلول و اتحاد تفاوت بزرگی و اختلافات زیادی وجود دارد. کسانی که قائل به حلول و اتحاد، ممکن است بگویند: خدا هست، ولی وجود او

- چنانکه گفتند - یکی است راه حلول برای موجودات، مانند حلول شدن روح به بدن است، یا اتحاد با مخلوقات، مانند اتحاد اجسام با یکدیگر. اما کسانی که به وحدت وجود معتقدند، خالق و مخلوقی ندارند، زیرا در اعتقاد آنان خدا هم خالق و هم مخلوق است.

4- نظر علمای دین و مشایخ صوفیه پیرامون اندیشه وحدت وجود.

علمای دین و مشایخ صوفیه در قبول و رد اندیشه وحدت وجود اختلاف داشته اند؛ همان اختلاف آنها در خود ابن عربی است. این تفاوت و اختلاف به علتی که ابن عربی در نوشته های خود بسیار متناقض بود. وی یک بار پایبندی به شریعت و حدود آن است و بار دیگر از آنچه که فقها به حدود آن می رسند فراتر می رود.

می توان این تفاوت ها را به صورت زیر خلاصه کنیم:

4-1- گروهی از علمای دین به وی حمله کردند و او را به کفر و الحاد متهم کردند و عقیده خود به انحراف و عدول از دین حق متهم کردند. از مشهورترین آنان ابن تیمیه⁽²⁾ بود. این دانشمند نه فقط الگوی مطلوب مخالفان ابن عربی به شمار می رود بلکه مرجع اصلی آنان در قضاوت به کفر و بدعت ابن عربی می دانند و بر اساس فتاوی ابن تیمیه بیشتر آنان که معتقد اند به کفر ابن عربی و امثال انست (از صوفیان، فیلسوفان و متکلمان از معتزله و اشعریه تا شیعه⁽³⁾) تکیه می کنند.

هیچ کس از انتقاد ابن تیمیه در امان نماند مگر شاید نسل اول از صحابت و برخی از کسانی که از عقاید او پیروی می کنند. ابن عربی از کسانی بود که «ابن تیمیه» غضب خود را بر او بیشتر کرد و شمشیر تکفیر و حکم خروج از دین را بر او زده بود (خمیسی، 1431: 15-16).

از مخالفان دیگر ابن عربی که تأثیر خاصی داشت؛ برهان الدین البقاعی⁽⁴⁾ مؤلف کتاب مصرع التصوف یا تنبیه الغبی إلى تکفیر ابن عربی و تحذیر العباد من أهل العناد بود.

کتاب تنبیه الغبی إلى تکفیر ابن عربی تأثیر زیادی بر جای گذاشت، چه بر طرفداران آن و چه مخالفان ابن عربی بوده است. همه اینها در پاسخ های گسترده به نویسنده این کتاب با استفاده از واژگانی مشابه، مانند: تنبیه الغبی بتبرئة ابن عربی و تنبیه الغبی فی تنزیه ابن عربی مشهود بود.

بقاعى مى گوید : دلایل کفر ابن عربى در کتاب *فصوص الحکم* بیشتر از ساير کتب هايش آشکار است (البقاعى، 1989: 18) .

لازم به ذکر است که پس از ابن تیمیه و بقاعى، تمام فتواهاى صادر شده عليه اندیشه هاى فلسفى ابن عربى؛ حول محور و فتواى اين دو عالم مى چرخند . خصوصاً در آنچه از ابن تیمیه صادر شده است، زیرا او در اندیشه هاى فلسفى و لفظى ابن عربى بیشتر از فقهاى ديگر مورد تحقيق و تدقيق بود تا اینکه مرجعى مهم در نقد فلاسفه و صوفيه و رویکردهاى آنان شد.

از مشايخ بزرگ صوفيه که اندیشه وحدت وجود را رد کرد سيد احمد رفاعى⁽⁵⁾ بود که درباره اين اندیشه مى گفت: (من يقول بوحدة الوجود اذا قصد به ان الخالق من جنس المخلوق فقد كفر). (هر کس به وحدت وجود بگويد اگر منظورش افریدگار از سنخ مخلوق است کافر شده است.)

2-4- گروهى به شدت از او دفاع کردند که از جمله آنان است ؛ شيخ صوفيه شهاب الدين عمر سهروردى⁽⁶⁾ صاحب کتاب *عوارف المعارف*، مجد الدين محمد بن يعقوب فيروزآبادى⁽⁷⁾ مؤلف کتاب *الاغتياب بمعالجة ابن الخياط* که در پاسخ به ابن الخياط (يکى از مخالفان ابن عربى) نوشته است ، عالم و شيخ تصوف ابن عطاء السكندرى⁽⁸⁾ مؤلف کتاب *الحكم العطائية في التصوف*، جلال الدين عبد الرحمن السيوطى⁽⁹⁾ مؤلف کتاب *تنبيه الغيبى بتبرئة ابن عربى*، شيخ احمد بن محمد مقرئ تلمسانى⁽¹⁰⁾ مؤلف کتاب *نوح الطيب من غصن الاندلس الرطيب* و بسيارى ديگر اند.

3-4- گروهى بى طرف ماندند ؛ ابن حجر عسقلانى⁽¹¹⁾ درباره ابن عربى مى گوید: "مطالبى را گفت که گروهى از علما آنها را بدعت مى دانستند و گروهى ديگر آنها را از منشا به القول مى شمردند ؛ مطالبى که در ظاهر آنها کفر و گمراهى بود و در باطن حق و علم بودند" (عسقلانى، 1996، ج 5 : 310) .

عبد الرؤوف مناوى مؤلف کتاب *طبقات الاولياء* مى گوید: "مردم در مورد او فرقه هاى شدند و در امر او راههاى مختلف را طى کردند، گروهى معتقد بودند که او بدعت گذار است و برخى مى گویند او واسطه اوليا و پيشواى پاكان است. و برخى ديگر به ولايت او و نهى از نگاه در کتابهايش ايمان آوردند." (الحنبلى، 1990، ج 5 : 192).

5- تأثير اندیشه وحدت وجود در شعر صوفیان.

شکی نیست که ابن عربی در ساختارهای تصوف به طور کلی تأثیر فراوان و آشکاری داشت و در مورد تصوف ایرانی همینطور است. این تأثیر به ادبیات صوفیانه ایران نیز کشیده شد و بهترین راه برای آگاهی از میزان تأثیر و گسترش اندیشه های ابن عربی در تصوف ایرانی و علی الخصوص اندیشه وحدت وجود، آگاهی از میزان انتقال و گسترش این اندیشه در شعر صوفیان ایران است.

معانی اندیشه وحدت وجود که محل بحث ماست در شعر بسیاری از شاعران تصوف ایران که متأثر از فکر ابن عربی را به شکل نمادین شگفت انگیزی در قافیه ها و سرودهای آنان ارائه کرده اند. مانند :

5-1- مولوی بلخی⁽¹²⁾ :

استخوان و باد روپوش است و بس

در دو عالم غیر یزدان نیست کس (مولوی، 1363: 6/1023)
مجلة لارك للفلسفة واللغات والعلوم الاجتماعية
بمعنا : هرچه ببینید آنها را از ظاهر است مانند استخوان و باد و غیر آنهاست و حقیقت این است؛ که در عالم دنیا و آخرت کس جز خدا وجود نیست.

و همچنین گفت :

گر هزار انند يك تن بیش نیست

جز خیالات عدد اندیش نیست (همان منبع: 35/3).

بمعنا : حتی اگر هزاران بوده اند وجود و کثرت انسان یک توهم است وجود حقیقی فقط یکی است. هر چند که عدد زیاد از بشر ببینید آنها تنوع فقط در تخیل شماست.

5-2- فرید الدین عطار⁽¹³⁾ :

ای روی درکشیده به بازار آمده خلقی بدین طلسم گرفتار آمده

غیر تو هرچه هست سراب و نمایش است کجا نه اندک است و نه بسیار آمده

اینجا حلول کفر بود اتحاد هم کین وحدتی است لیک به تکرار آمده

یک صانع است و صنع هزاران هزاران بیش جمله ز نقد علم نمودار آمده

یک عین متفق که جز او ذره‌ای نبود چون گشت ظاهر این همه اغیار آمده

عکسی ز زیر پرده وحدت علم زده در صد هزار پرده پندار آمده

بر خویش جلوه دادن خود بود کار تو تا صد هزار کار ز یک کار آمده

چون در دو کون از تو برون نیست هیچ کار صد شور از تو در تو پدیدار آمده

گر هر دو کون موج بر آورد صد هزار جمله یکی است لیک به صد بار آمده (عطار، 1382):
قصیده شماره 26)

تأثر عطار به اندیشه وحدت وجود در تمام آبیاتی بالا کاملاً مشخص است، وی در این ابیات اعلام می کند
که هر چیزی غیر از خدا را سراب است و واقعیت ندارد و آن را فقط بازتاب وجود خداوند متعال است.

3-5- صائب تبریزی (14):
موج در یکتایی در نیندازد خلل

چهره وحدت نهان در زیر زلف کثرت است (صائب، 1373، ج 2)

به معنا: حق یکی است و اینکه خداوند بی نظیر است و در حقیقت چهره وحدت در زیر زلف
کثرت است.

همچنین می گوید:

چشم حق بین را نگردد کثرت از وحدت حجاب

نه صدف را گوهر یکدانه می یابیم ما (صائب، 1373، ج 1)

این بیت شعر به معنا: فقط وجود خدای متعال وجود حقیقی است و همه موجودات دیگر است
خدا با یک اراده و تجلی آنها را پدید آورده است.

4-5- عبد الرحمن جامی (15):

تو نور مطلقى و ديگران مجالى نور تجلى تو در آنها به اختيار و شعور

شد از تجلى اول حقايق اعيان كه در مطاوى علمند جاودان مستور

شد از تجلى ثانى مظاهر اكوان كز آينه است ساحت ويرانه عدم معمور (جامى، 1378 : 231)

شاعر جامى اينجا اعلام مى كند كه همه مخلوقات را چيزى جز مظهر و انعكاس از نور خداوند نيستند و
خداى متعال آن نورى به ميل خود را در اين مخلوقات نازل كرده است.

5-5- هاتف اصفهاني(16):

چشم دل باز كن كه جان بينى آنچه نديدنى است آن بينى

گر به اقليم عشق روى آرى همه آفاق گلستان بينى

با يكي عشق ورزى از دل و جان تا به عين اليقين عيان بينى

كه يكي هست و هيچ نيست جز او وحده لا اله الا هو (نور بخش، 1379: 323)

به معنا: دلت را بگشا تا آنچه را كه ديده نمى شود ببينى، اگر وارد اقليم عشق شدى به تمام آفاق معشوق

ببينى از قلب و روح تا چشم عشق بورزى تا به عين اليقين معشوق را ببينى او يكي است و هيچ كس

ديگرى نيست وحده لا اله الا هو.

5-6- حافظ شيرازى(17):

اين همه عكس مى و نقش مخالف كه نمود يك فروغ رخ ساقى است كه در جام افتاد

حسن روى تو به يك جلوه كه در آينه كرد اين همه نقش در آيينه ي اوهام افتاد(ديوان حافظ،

1362، ص 190).

به معنا: اين تصاوير گوناگونى كه به چشم مى خورديم، همگى از تصوير جامه دار است كه در جام

منعكس شده است. وقتى تو يك بار در آينه ظاهر شدى به همين دليل اين تصاوير بسيار در آينه توهم

ظاهر شده اند.

6- باورهای حاصل از اندیشه وحدت وجود چیست؟

اندیشه وحدت وجود شامل مجموعه ای از باورهای است که در شعر شاعران تصوف تجسم یافت، که عبارتند از:

6-1- انکار دوگانگی وجود: وجود به دو بخش تقسیم می شود. وجود واجب و وجود ممکن⁽¹⁸⁾ است، اما اندیشه وحدت وجود این دوگانگی وجود را انکار می کند و معتقد است که وجود یکی است.

6-2- اعتقاد به عدم وجود موجودات و مخلوقات: اندیشه وحدت وجود می گوید: که خداوند متعال به تنهایی وجود دارد، اما در مورد موجودات و مخلوقات، آنها ازلی و ابدی نیستند و عقول (غیر صوفیان) تصور و تخیل می کنند که موجودات و مخلوقات زنده و وجود دارند.

6-3- اعتقاد به اینکه موجودات خدا هستند: این عقیده به معنای انکار امور محسوسات و نفی موجودات مشهود از قبیل؛ دریاها، کوه ها، درختان و مانند آن نیست، بلکه مراد انکار مخلوق بودن آنهاست. زیرا که این اندیشه ایمان داشت که همه موجودات خدا هستند.

6-4- جمع کردن مابین کثرت و وحدت: از نظر اندیشه وحدت وجود، کثرت منافاتی با وحدت ندارد، زیرا که این کثرت نسبی است و در واقع وجود ندارد.

6-5- تجلی خداوند به صورت مخلوقات: تجلی خداوند یعنی؛ ظهور آنست. اندیشه وحدت وجود اعتقاد داشت که مخلوقات در اصل وجود ندارند و همه مخلوقات که دیده می شود انعکاس از تجلی خداوند است.

6-6- اعتقاد به اینکه موجودات نجس خدا هستند: اندیشه وحدت وجود اعتقاد داشت که خداوند متعال در همه ی مراتب دیده می شود، این بدان معناست؛ که خداوند در همه موجودات (چه نجس و چه غیر نجس) قابل مشاهده است.

6-7- همه چیز خداست: این اندیشه اعتقاد داشت که هر چه دیده می شود و حتی آنچه که دیده نمی شود خداست.

6-8- خدا همان موجودها و عدمها و ممتنع ها است: آنها معتقدند خداوند دارای کمالی است که همه امور وجودی و نسبت های عدمی را در بر می گیرد. به طوری که محال است صفتی از آن را از قلم بیاندارد، خواه از نظر عرف و عقل و شریعت ممدوح باشد و یا از نظر عرف و عقل و شریعت مذموم باشد.

نتیجه گیری

از مطالب فوق معلوم می شود که اندیشه وحدت وجود تأثیر بسزایی در ادبیات عرفانی و علی الخصوص به شعر عرفان ایرانی داشته بود، این اندیشه یا معنای آنست در بسیار از شعر شاعران تصوف ایرانی که به این اندیشه معتقدند. مانند فریدالدین مولوی، عطار، سعدی شیرازی، جامی، صائب تبریزی و دیگرانند، ظاهر شد. می توان گفت که خلاصه ای این اندیشه چنین است: " جز ذات خداوند در جهان هستی موجودی نیست" و بنا بر این فرض عالم خارج و جهان هستی جز سایه و شبی از ذات واجب الوجود نیست. یعنی؛ این هستی در مرتبه ای به صورت خالق و در مرتبه ای بصورت مخلوق است (دشتی، 1362، ص 30).

اندیشه وحدت وجود با فکر اسلامی توافق نمی کند. زیرا اسلام بر این باور است؛ که خداوند متعال خالق هستی و جهان هستی چیزی غیر از خالق آنست. ولی اینجا باید اشاره کنم که؛ وحدت وجود که برخی از صوفیان به آن را قائل اند با مفهوم فیلسوفان مانند سارتر یا هیگل و امثال آنها که وحدت وجودی مادی را اتخاذ کردند، یکی نیست. بلکه صوفیان بر این باورند که؛ خداوند تنها موجود حقیقی است و همه ی حالات جز مظهر او نیستند، خدا حق است و هر چیز دیگری سایه اوست، این مفهوم از راه اغراق عشق صوفیان به خدا سرچشمه گرفته است، زیرا آنها خدا را در همه چیز می بینند و او بالاتر از هر زمان و مکان است، بدون اندیشه های خرافی از راه حلول یا اتحاد است.

بالآخره می توان گفت که ابن عربی یا هر دانشمندی که به این اندیشه اعتقاد داشت. بر اساس آنچه که دیده می شود، کوشیده است و چنین کند، او مانند کسی است که سخت کوشید و آن را درست کرد، یا سخت کوشید و آن را اشتباه گرفت. از خدا پاداش خواهد گرفت، زیرا او بین درست و غلط، نه بین حق و باطل است.

یادداشتها

1- ابو القاسم جنید بن محمد بن جنید مشهور به بغدادی (215 - 297 هـ ق) یکی از مشهورترین مشایخ تصوف که هجویری درباره او می گوید؛ اندر وقت وی را طاوس العلماء گفتندی و سید این طایفه و امام الائمة ایشان بود (هجویری ، 1392 : 285).

- 2- تقى الدين ابو العباس احمد بن عبد الحليم بن عبد السلام النميري كه به نام ابن تيميه مشهور است (661 - 728 هـ ق) مساوی به (1263 - 1328 م). فقيه، محدث، مفسر و یکی از مشهورترین و معروفترین علمای اهل سنت و جماعت در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری به شمار می رود (ابو زهره، 1952: 6-17).
- 3- مانند؛ فارابی، ابن سینا، غزالی، ابن الفرید، صدر رومی، ابن هفتاد و دیگران است.
- 4- برهان الدین بقاعی (809 - 885 هـ ق) ابراهیم بن عمر بن حسن البقاعی، عالم و مؤرخ و یکی از بارزترین علمای اسلام در عصر خود به شمار می رود (باحث).
- 5- سید احمد رفاعی (512 - 578 هـ ق) از مشهورترین مشایخ تصوف به شمار می آید و فرقه رفاعیه به وی منسوب است (باحث).
- 6- شیخ الاسلام شهاب الدین عمر سهروردی (539 - 632 هـ ق) از بزرگترین مشایخ نامدار صوفیه شافعی مذهب است که در بغداد خانقاه و مجلس و عظ و ارشاد داشت و جماعتی بسیار مرید و پیرو او بودند (کاشانی، 1392: 19).
- 7- ابو طاهر مجد الدین محمد بن یعقوب الشیرازی الفیروزآبادی (729 - 817 هـ ق) در شهر گازرون (یکی از شهرهای ایران) ولادت یافت، در علوم مختلف مانند؛ تفسیر، حدیث، فقه، تاریخ و زبانشناسی ید طولانی داشته بود (شوکانی، 2011: 835).
- 8- أحمد بن محمد بن عطاء الله السکندري فقيه و صوفي شاذلي است، او را " ترجمان الواصلين " و " قطب العارفين " می نامند، در شهر اسکندریه (سال 658 هـ ق) ولادت یافت و در همان شهر (سال 709 هـ ق) وفات یافت.
- 9- جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر الخضرى السیوطی که به نام جلال الدین سیوطی مشهور است (849- 911 هـ ق) امام، مفسر، مؤرخ، ادیب و فقیه شافعی بود (غزی، 1997: 227).
- 10- شهاب الدین ابو العباس احمد بن محمد المقرئ التلمسانی (992 - 1041 هـ ق) مؤرخ و ادیب از علمای مغرب بود (تلمسانی، 2011: مقدمه).
- 11- شیخ الإسلام شهاب الدین أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد الکناني العسقلاني (773 - 852 هـ ق) در علوم قرآن، حدیث، فقه و تاریخ مشهور بوده است و آثاری زیاد داشته باشد (الشیخ، 1992: 11).
- 12- جلال الدین محمد بلخی (604 - 672 هـ ق) در شهر بلخ تولد یافت. از مشهورترین مشایخ تصوف و رؤسای طریقت بود (باحث).

13- أبو حامد , محمد بن إبراهيم عطار نيشابوري ، مشهور به خواجه يا شيخ عطار نيشابوري يا فريد الدين عطار(540 – 618 هـ) یکی از بارزترین و مشهورترین عارفان , صوفیان , شاعران و ادیبان فارسی در پایان سده ششم و آغاز سده هفتم بود(باحث).

14- میرزا محمد علی صائب(حدود1010 – 1088 هـ) که در شهر تبریز ولادت یافت. از مشهورترین و بزرگترین شاعران غزلسرای قرن یازدهم هجری و نامدارترین شاعر عصر صفویه بود. او در دربار صفوی به عنوان ملک الشعرایی رسید(باحث).

15- عبد الرحمن جامی: نور الدین عبد الرحمن جامی ، از مشهورترین شاعران قرن نهم هجری و یکی از عارفان تصوف بود(کاظم , 2022 : 909).

16- سید احمد حسینی متخلص به هاتف از شاعران قرن دوازدهم هجری در اصفهان به دنیا آمد، سپس به نجف رفت و مدتی در آنجا اقامت گزید، سپس به اصفهان بازگشت و در کاشان نیز اقامت گزید و در سال 1198 هجری قمری در کاشان درگذشت(باحث).

17- حافظ شیرازی: خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی، در شهر شیراز متولد شد. از برجسته ترین شاعران سده هشتم هجری در ایران به شمار می آید(کاظم , 2022 : 909).

18- وجود واجب: یعنی وجود خداوند متعال است. وجود ممکن: یعنی وجود هر موجودی غیر از خداوند است. زیرا که هر موجودی غیر از خداست مسبوق به عدم است. یعنی وجود و عدم وجود او جایز است(باحث).

منابع

1- Quran Kareem

2- Ibn al-Farez (2012) Diwan, Mahdi Mohammad Naser al-Din's research, Beirut, Al-Nasher: Dar Al-Katb Al-Elamiya.

3- Abu Zahra, Muhammad (1952) Ibn Taymiyyah, His Life and Times - His Opinions and Jurisprudence, Egypt, Publisher: Dar Al-Fikr Al-Arabi.

4- Al-Buqa'i, Burhan al-Din (1989), The Death of Sufism or Cautioning the Idiot to Takfir Ibn Arabi, edited by: Abd al-Rahman al-Wakil, Cairo, publisher: Dar al-Taqwa.

5- Al-Hanbali, Ibn Al-Imad (1990), Gold Nuggets in News of Gold, Volume 5, Beirut, Publisher: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya.

6- Al-Hamad, Muhammad bin Ibrahim (2006), Terms in Books of Doctrines, Riyadh, Publisher: Dar Ibn Khuzaymah.

7- Al-Dhahabi, Shams Al-Din (1963), The Scale of Moderation in Criticism of Men, edited by Ali Muhammad Al-Bajjawi, First Edition, Lebanon ,Publisher: Dar Al-Ma'rifa for Printing and Publishing.

8- Sheikh, Abdul Sattar, (1992), Al-Hafiz Ibn Hajar Al-Asqalani, Commander of the Faithful in Hadith, Damascus, Publisher: Dar Al-Qalam.

9- Al-Asqalani, Ibn Hajar (1996), Lisan Al-Mizan, Cheap Sum, Banjam Book, Beirut, Publisher: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya.

10-plathius, Asin (1965), Ibn Arabi, His Life and Doctrine, translated by Abd al-Rahman Badawi, Egypt, published by: Anglo-Egyptian Library.

11- Bin Arabi, Muhyi al-Din (1997), The Meccan Conquests, Part 4, Beirut, Publisher: Dar Ihya al-Turath al-Islami. (Cairo: Boulak Press).

12-.....(1987) ,Fusus Al-Hikam, Commentaries by Abu Al-Ala Afifi, Beirut, Publisher: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

13- Tilmisani, Abi Al-Abbas Ahmad bin Muhammad, (2011), The fragrance was exhaled from the moist branch of Andalusia, and its minister, Lisan al-Din Ibn al-Khatib, explained it, explained it, commented on it, and presented it to Dr. Yusuf Ali Tawil and Dr. Maryam Qasim Tawil, vol. 1, Peru T, Published by: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah.

14- Jami, Abdul Rahman (1378) Diwan Jami. Introduction and correction by Alakhan Afsehzad, Tehran, Publisher: Mirath Maktoob.

15- Khamisi, Saed (1431), Ibn Arabi, The Returning Traveler, Algeria, publisher: Al-Khtilaaf Publications.

16-Dashti, Ali (1362), in Diyar Sufyan, Chap Sum, Tehran, Chapkhana Asman, Sazman Publishing, Javaidan Publications.

- 17-Rizvi, Sayyid Athar Abbas (1380), History of Sufism in India, translated by Mansour Motamadi, first volume, first chapter, Tehran, Daneshgahhi Publishing Center.
- 18-Shawkani, Muhammad bin Ali (2011), The Rising Full Moon with Virtues After the Seventh Century, Cairo, Publisher: Dar Al-Kitab Al-Islami.
- 19- Saeb Tabrizi, Mirza Muhammad Ali, (1373), Colleges of Diwan, by Kushish Amiri Firouzkohi, Tehran, published by: Khayyam.
- 20-Sadrzadeh, Muhammad (1390), Philosophy and Mysticism from the View of Islam, Tehran, Chapchaharm, Publisher: Roshnay Mehr.
- 21- Tawil, Muhammad Tawfiq (1969 AD), The Philosophy of Sufi Ethics according to Ibn Arabi, Memorial Book.
- 22-Attar, Farid al-Din (1382 BC), collection, with an introduction by Farshid Iqbal, first chapter, Tehran, Publisher: Farhangi Andisheh Foundation.
- 23-Ghazi, Najm al-Din Muhammad, (1997), The Planets Moving with the Signs of the Tenth Hundred, Part 1, Lebanon, published by: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- 24-Kashani, Izz al-Din Mahmoud bin Ali (1392 A.H.), Misbah al-Hidaya wa Key al-Kifaya, with correction, introduction, and comments by Ustad Allama Jalal al-Din Hamayi, the chapter of Siridhum, Publications: Published by them.
- 25- Kazem, Dr. Muhammad Issa (2022), The role and status of hearing in Iraqi Sufism. LARC 4(47):914-901, <https://DOI:10.31185/lark.Vol4.Iss47.2691>
- 26-Mawlawi, Jalal al-Din Muhammad (1363), Mathnawi Ma'navi, vol. 3, edited by Reynolds Nicholson, with the interest of Dr. Nasrallah Pour Javadi, Tehran: Publications: Amir Kabir.
- 27-Nourbakhsh, Doctor Jawad (1379), Farhang Nourbakhsh, Sufi terminology, publications: Yaldāqalam
- 28-Hajwiri, Abu Al-Hasan Ali bin Othman, (1392 AH), Kashf Al-Mahjub, corrections and comments by Dr. Mahmoud Abedi, Chap Hashtam, Tehran, publications: Soroush.